

# محمد بن ابی عمیر

سید حمید میرخندان

این گفتار به گوشه‌هایی از شخصیت یکی از اصحاب بزرگ ائمه (ع) و محدثان بلند مرتبه شیعه؛ یعنی «محمد بن ابی عمیر ازدی» می‌پردازد.

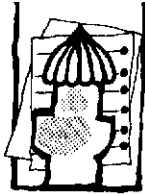
ابی عمیر از موالی مَهَلَب بن ابی صُفْرَه، از طایفه ازد بوده است.<sup>۱</sup> مَهَلَب بن ابی صُفْرَه از امرای عبدالملک بن مروان اموی بود. وی در سال (۷۴ق.) برای سرکوب مخالفان

خلیفه، به منطقه کرمان رفت و پس از آن از طرف عبدالملک والی خراسان گردید. او هم چنان بر این مقام بود تا این که در سال (۸۲ق.) درگذشت. پسران او، یزید و مفضل نیز از نزدیکان دستگاه خلافت اموی بودند و پس از مرگ پدر،

**نام و تبار او**  
کنیه محمد بن ابی عمیر «ابو احمد» و نام پدرش «زیاد بن عیسی» است، لیکن بیش تر از وی به همراه کنیه پدرش «محمد بن ابی عمیر» و گاه به طور خلاصه «ابن ابی عمیر» یاد می‌شود.

از سلسله نسب او چنین بر می‌آید که جدش «عیسی» اولین کسی از اجداد او بوده که به اسلام گرویده است. بنابر ظاهر گفته شیخ طوسی، پدر محمد بن

۱. الفهرست، محمد بن حسن طوسی، (قم، انتشارات رضی) ص ۲۶۵؛ الرجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، به تحقیق سید موسی شبیری زنجانی (قم، انتشارات اسلامی) ص ۳۲۶



هر دو مدتی حکم ران خراسان بودند.<sup>۲</sup> اشتغال داشته<sup>۴</sup> و متمول بوده است.<sup>۵</sup>

### خلفای عباسی و ابن ابی عمیر

محمد بن ابی عمیر ازدی همواره از جانب حکام جور عباسی، مورد ظلم و آزار قرار

اگر مولا بودن ابن ابی عمیر را «ولاء عتق» بدانیم، از آن جا که مولا بودن او را به مهلب بن ابی صفره ازدی (م. ۸۲ ق.) نسبت می دهند، احتمالاً این امر در زمان جد ابن ابی عمیر (دو نسل قبل از او) صورت گرفته و از آن پس، پدر او و خودش از موالی مهلب ازدی شناخته شده اند.

اجداد او احتمالاً یمنی بوده اند، زیرا «جاحظ» ادیب و دانشمند معاصر، در کتاب فخر قحطان علی عدنان (که علل برتری قوم قحطان بر قوم عدنان را بر شمرده است) از محمد بن ابی عمیر به عظمت و برتری یاد کرده و ظاهراً او را یکی از دلایل فخر قحطان بر عدنان دانسته است. نگارنده به این کتاب دست نیافته، اما از ظاهر آن چه که شیخ طوسی نقل می کند چنین بر می آید که محمد بن ابی عمیر اصالتاً قحطانی بوده<sup>۳</sup> و قحطان قومی بودند که در یمن می زیسته اند.

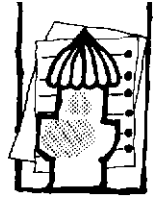
به هر روی، محمد بن ابی عمیر خود در بغداد به دنیا آمده و تا آخر عمر در آن جا سکونت داشته است. او به شغل بزازی و فروشنده گی پارچه «سابری»

۲. نک: تاریخ یعقوبی، به ترجمه محمد ابراهیم آینی (مرکز انتشارات علمی و فرهنگی) ج ۲، ص ۲۷۲؛ الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۴، ص ۳۶۵، ۳۷۵، ۵۰۲

۳. الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۴۲

۴. سابری: پارچه ای ظریف که در سابور فارس بافته می شده، و خرید و فروش و استفاده از آن شایع بوده است.

۵. فضل بن شاذان (شاگرد ابن ابی عمیر)، ثروت او را نزدیک به پانصد هزار درهم گفته است (اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۵۶). به گفته یکی از اساتید، نمی توان از این احتمال چشم پوشید که ابن ابی عمیر از وکلای امام کاظم (ع) بوده و وجوهات نزد وی جمع می شده است. آباهارون و بعد از او مامون، با توجه به همین مطلب، پی در پی اموال او را مصادره می کردند؟ گرچه نقل صریحی مبنی بر وکالت او وجود ندارد، اما از سوی دیگر، از وکلای حضرت، به جز آن هایی که پس از شهادت ایشان، امامت امام رضا (ع) را انکار کردند و به واقفیه گراییدند، نامی در میان نیست. شاید شدت تقیه، موجب چنین امری شده است.



گرفته و بارها بر سر عقیده خود به زندان افتاده و شکنجه های طاقت فرسایی را متحمل شده است.

در یکی از همین زمان ها بود که «رشید» برای پی بردن به نام اصحاب امام کاظم (ع) و شیعیانش در عراق، او را دستگیر و زندانی کرد. در زندان او را سخت شکنجه کردند و پیش از صد تازیانه به وی زدند تا نام اصحاب امام را فاش کند، اما این صحابی پاك باخته امام، در برابر شکنجه مأموران «رشید» مقاومت کرد و زبان به افشای نام یاران حضرت نگشود.<sup>۶</sup>

مقارن همین ماجرا، رشید عرصه را بر امام کاظم (ع) تنگ کرد و ایشان را زندانی کرد. او قصد داشت کار امام و یارانش را یک سره کند، اما مقاومت و ایستادگی کسانی چون محمد بن ابی عمیر نقشه های او را بی اثر و خنثی کرد، به گونه ای که سیاست خشونت رشید، در عمل شکست خورد. بعد از رشید، فرزندش مأمون به دلیل پایگاه عمیق و گسترده امام رضا (ع) در اجتماع، سیاست دیگری را در پیش گرفت.

در برهه ای دیگر، پس از شهادت امام

رضا (ع) محمد بن ابی عمیر به دلیل نپذیرفتن منصب قضاوت از طرف مأمون، بار دیگر به زندان افتاد. زندانی شدن او این بار چهار سال به طول انجامید و با شکنجه و آزار سنگین توأم بود؛ تمامی اموال او ضبط گردید و هنگامی که از زندان رهایی یافت در نهایت تنگ دستی بود.<sup>۷</sup>

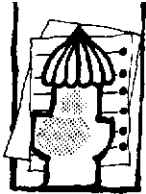
متأسفانه هنگامی که او در زندان به سر می برد کتاب هایش، به دست خواهرش در زیر خاک پنهان گردیده بود،<sup>۸</sup> پوسید و از بین رفت.<sup>۹</sup>

۶. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، به تصحیح میر داماد، به تحقیق سید مهدی رجایی (مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث)، ج ۲، ص ۸۵۵

۷. همان.

۸. او پس اختفای کتاب های خود، متواری شده بود.

۹. درباره چگونگی از بین رفتن کتاب های ابن ابی عمیر نقل های متفاوتی در کتب رجالی وجود دارد. گفته شده که خواهر او کتاب ها را در غرفه ای گذاشت و کتاب ها در اثر جریان آب باران بر روی آن ها از بین رفت (الرجال النجاشی، ص ۳۲۶). و از ظاهر عبارت شیخ طوسی، چنین برمی آید که کتاب های ابن ابی عمیر در پی دستگیری اش، توسط



روایت نقل می کند.<sup>۱۱</sup>

علامه محمد صادق بحر العلوم در پاورقی کتاب، ذکر می کند که نسخه های کتاب در ضبط این نام مختلف است؛ در بعضی «محمد بن ابی عمره» و در برخی «محمد بن ابی عمر» و در بعضی «محمد بن ابی عمیر» آمده است. آیه الله خویی ضمن نقل روایت این شخص از امام صادق(ع) بیان می کنند:

«نام صحیح، محمد بن ابی عمیر

است.<sup>۱۲</sup>

شیخ طوسی، در میان اصحاب امام کاظم(ع) ذکری از نام محمد بن ابی عمیر

ماموران مامون ضبط گردید که عاقبت کتاب های روایی اش را به او پس ندادند (اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۵۴).

آنچه در متن ذکر شد ظاهر نقل صحیح است. زیرا ابن ابی عمیر، خود به مناسبتی اشاره به دفن شدن کتاب هایش و از بین رفتن آن ها کرده است. (بحار الانوار - بیروت، مؤسسة الوفاء - ج ۸۷، ص ۱۰۶ و ج ۲۰).

۱۰. رجال النجاشی، ص ۳۲۶ و ۳۲۷

۱۱. رجال الطوسی، ص ۳۰۶

۱۲. معجم رجال الحدیث (مرکز نشر آثار شیعه)

ج ۱۴، ص ۲۷۵ و ۲۷۶

سال های آخر عمر او، به تلاش برای جمع آوری و تدوین دوباره احادیثش گذشت تا این که در سال (۲۱۷ق.) به جوار حق شتافت.

ابن ابی عمیر در دوران ائمه(ع)

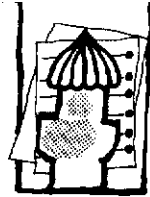
آن چه که درباره ابن ابی عمیر مورد اتفاق نظر است، این است که وی با سه تن از امامان (امام کاظم، امام رضا و امام جواد - علیهم السلام) هم عصر بوده است، اما این که آیا او امام صادق(ع) را نیز درک کرده و این که از کدام یک از آن بزرگواران روایت نقل کرده است، اختلاف هایی وجود دارد.

در کتاب رجال النجاشی بر معاصرت

او با امام کاظم(ع) و امام رضا(ع) تصریح شده و از آن جا که در همین کتاب، سال وفات وی ۲۱۷ق. ذکر شده، بنابراین وی دوران امام جواد(ع) را نیز درک کرده است.<sup>۱۰</sup>

شیخ طوسی، محمد بن ابی عمیر را از اصحاب امام صادق(ع) بر شمرده و بی آن که درباره وثاقت یا عدم وثاقت وی سخن بگوید می نویسد:

«حسن بن محمد بن ساعه از او



نکرده، بلکه در میان اصحاب امام رضا(ع) از وی نام برده و بر وثاقت او تصریح کرده است.<sup>۱۳</sup>

ایشان در ذیل نام ابن ابی عمیر می‌گوید:

«او سه تن از ائمه را درك کرده:

امام ابا ابراهیم، موسی(ع) که از او

روایت نقل نکرده، امام رضا(ع) که

از ایشان روایت نقل کرده و امام

جواد(ع).<sup>۱۴</sup>

بنابراین از نظر شیخ طوسی، ابو

احمد محمد بن ابی عمیر از دی، تنها از

اصحاب امام رضا(ع) و فردی ثقه بوده

است. همین امر نشان می‌دهد که محمد

بن ابی عمیر مذکور در کتاب الرجال غیر

از فرد مورد بحث است.

این که آیا ابن ابی عمیر متعدد

بوده؛ یکی از اصحاب امام صادق(ع)

که از آن حضرت بدون واسطه روایت

نقل کرده و امام کاظم(ع) را نیز درك

کرده است و دیگری، از اصحاب امام

کاظم و امام رضا و امام جواد(ع) بوده

است، یا این که یک نفر بوده است،

بحث‌هایی را در کتاب‌های رجالی

برانگیخته است.

علامه اردبیلی در پانوشت در ذیل نام

«محمد بن ابی عمر» می‌نویسد:

«این نام اشتباهاً از سوی نساخ به این

گونه ضبط شده و صحیح آن «محمد

بن ابی عمیر» است و او همان محمد

بن زیاد بن عیسی است، به قرینه

روایت کردن حسن بن عمر بن سماعه

(م. ۲۶۳ ق. ) از او و روایت کردن او

از امام صادق(ع) در بسیاری از موارد

و این که او فروشنده سابری و بزآز

بوده است.<sup>۱۵</sup>

ایشان در جای دیگر در ذیل «محمد بن

ابی عمیر» در خاتمه، همین بحث را

مطرح می‌کند و می‌نویسد:

«پس صحیح این است که ابن ابی

عمیر چهار تن از ائمه (امام صادق،

امام کاظم، امام رضا و امام

جواد-علیهم السلام-) را درك کرده

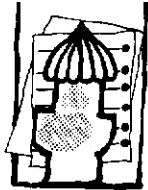
۱۳. رجال الطوسی، ص ۳۸۸

۱۴. الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۴۲

۱۵. جامع الرواة، محمد بن علی اردبیلی

(انتشارات کتاب خانه آیه الله مرعشی)

ج ۲، ص ۵۰



وصی او بوده است آن چه را که

گفتیم تأیید می‌کند، زیرا او از کسانی است که از امام صادق(ع) روایت نقل کرده است. و هنگامی که وصی ابن ابی عمیر از ابی عبدالله(ع) روایت نقل کرده و بعد از وفات او زنده باشد، پس روایت کردن او از امام(ع) به طریق اولی امکان خواهد داشت.<sup>۱۶</sup>

در مقابل، آیه الله خویی(ره) اعتقاد به تعدد ابن ابی عمیر دارد و در این باره در ذیل نام «محمد بن ابی عمر (ابی عمره) و (ابی عمیر)» می‌گوید:

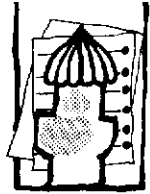
«او فخر و شونده سابری بوده و بنا بر گفته شیخ در رجال خود از اصحاب امام صادق(ع) بوده و حسن بن محمد بن سماعه از او روایت می‌کرده است.

نسخه صحیح باید محمد بن ابی عمیر باشد، زیرا در برخی روایات از او به همین نام یاد شده است. از جمله در روایت محمد بن نعیم صحاف که

است.

اما در جواب این که گفته شده، بعید است او بدون واسطه از امام صادق(ع) روایت نقل کرده باشد (زیرا زمان حیات آن‌ها از یک دیگر دور است) می‌گوییم: امام(ع) در سال (۱۴۸ق.ه) شهادت یافته و ابن ابی عمیر در سال ۲۱۷ق.ه) وفات یافته و فاصله بین این دو وفات ۶۹ سال است. پس اگر او ۸۰ یا بیش تر یا کمی کم تر از آن بوده باشد، می‌توانسته از امام(ع) روایت نقل کرده باشد.

از آن چه که گفتیم، این مطلب را تأیید می‌کند که شیخ طوسی، محمد بن ابی عمر را از یاران امام صادق(ع) ذکر کرده و او اگر چه در رجال شیخ - به صورت ابن ابی عمر (به صورت مکبر) است، لیکن ما در ترجمه او روشن ساختیم که قرآنی وجود دارد که آن اشتباه است، و صحیح آن به صورت مُصَفَّر (ابن ابی عمیر) می‌باشد. و نیز این که محمد بن نعیم صحاف،



می گوید: محمد بن ابی عمیر،  
فروشنده سابری، وفات کرد و مرا  
وصی خود قرار داد. تنها وارث او  
زنش بود. پس من به عبد صالح (ع)  
در این باره نوشتم و حضرت در پاسخ  
نوشت:  $\frac{1}{4}$  ماترک را به زنش بده و  
باقی را نزد ما بیاور. ۱۷۴

سپس ایشان سه روایت را نقل  
می کنند که ابن ابی عمیر بدون واسطه از  
امام صادق (ع) درباره مسایل فقهی سؤال  
می کند. از نظر ایشان، روایات مذکور  
نمی توانند مرسل بوده باشند، زیرا گونه  
نقل روایت در آنها، صراحت در سؤال  
از خود امام (ع) دارد. و محمد بن زیاد بن  
عیسی در سال (۲۱۷ ق. ) وفات یافته و  
امام صادق (ع) را درک نکرده است. پس  
باید محمد بن ابی عمیری که بدون واسطه  
از امام صادق (ع) روایت می کند،  
شخص دیگری باشد.

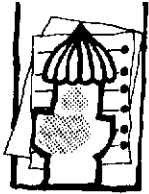
مضافاً این که محمد بن ابی عمیر اوکی  
در زمان حیات امام کاظم (ع) وفات  
کرده، چه عبد صالح از القاب امام  
کاظم (ع) است و محمد بن زیاد بن  
عیسی، امامت امام جواد (ع) را به مدت

چهارده سال درک کرده است. پس  
احتمال اتحاد این دو، ساقط خواهد بود.  
ایشان مطلبی را به عنوان تأکید در  
اثبات مدعای خود مطرح می کنند و آن  
روایتی است که در رجال کشی در ترجمه  
زرارة بن اعین آمده است. کتاب، روایت  
را از بنان بن محمد بن عیسی، از ابن ابی  
عمیر، از هشام بن سالم، از ابن ابی عمیر  
نقل می کند که ابن ابی عمیر گفت: نزد  
ابی عبدالله صادق (ع) رفتم و ... این  
روایت صراحت دارد که ابن ابی عمیر  
راوی، غیر از ابن ابی عمیر مروی عنه  
است. و ضعف سند این روایت به بحث  
ما ضروری نخواهد رساند. ۱۸

نکته ای که باقی می ماند و باید بر طبق  
نظر مرحوم خوبی پاسخ داد این است که  
بنابر گفته شیخ، حسن بن محمد بن  
سماعه از ابن ابی عمیر اول (از نظر  
ایشان) روایت کرده و حال آن که حسن بن  
محمد در سال (۲۶۳ ق. ) وفات کرده و  
ابن ابی عمیر در زمان حیات امام  
کاظم (ع) (نهایتاً در سال ۱۸۳ ق. ) رحلت

۱۷. معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۷۵

۱۸. همان، ص ۲۷۵-۲۷۷.



برای ارسال وجود ندارد، هم چنان که دلیل برای قلب سند نیست؛ به این معنا که محمد بن ابی عمیر مؤخر و قاسم بن عروه مقدم باشد تا این که در اصل چنین بوده باشد: محمد بن ابی عمیر، عن قاسم بن عروه، قال: سئلت ابا عبدالله(ع) ...، زیرا اولاً چنین امری بابی را می‌گشاید که مستلزم دست برداشتن از اصالت عدم سهو و عدم غفلت و دیگر اصول عقلایی (بدون قرینه) می‌باشد، به خصوص بعد از آن که سند به گونه‌ای که ذکر گردید در کافی (که از حیث ضبط، بهترین کتاب روایی است) و در نسخ متعدد آن، که یکی از آنها نسخه‌ای است که بر فاضل مجلسی خوانده شده، آمده است.<sup>۲۱</sup>

۱۹. همان، ص ۲۷۷

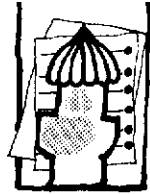
۲۰ و ۲۱. تنقیح المقال، مامقانی (قطع رحلی) ج ۲، ص ۶۳ (التنبیه الاول): وهی مارواه الشیخ وكذا الكلینی فی باب اوقات صلوة الجمعة والعصر من الكافی عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن محمد بن خالد، عن القاسم بن عروه، عن محمد بن ابی عمیر، قال: سئلت ابا عبدالله(ع) ...

کرده است. ایشان در حل این مشکل می‌گویند:

«ما مطمئن هستیم که مطلب بر شیخ (قدس سره) مشتبه شده و حسن بن محمد بن سماعه از محمد بن ابی عمیر، زیاد بن عیسی، روایت می‌کند نه محمد بن ابی عمیر اول.<sup>۱۹</sup> در این باره نظر میانه‌ای نیز وجود دارد که قائل آن علامه مامقانی است. ایشان ضمن آن که نسخه صحیح رجال شیخ را محمد بن ابی عمر می‌داند (بنابر این یک محمد بن ابی عمیر وجود دارد) معتقد است که محمد بن ابی عمیر از امام صادق(ع) نیز بدون واسطه روایت نقل کرده است. مرحوم مامقانی روایتی را نقل می‌کند که شیخ طوسی(ره) و کلینی(ره) با سند خود از ابن ابی عمیر آورده‌اند.<sup>۲۰</sup> سپس می‌گویند:

«ظاهر این روایت، دلالت دارد که او امام را ملاقات کرده که آن، امری بعید هم نیست، زیرا باید این ابی عمیر در نهایت، ۸۷ سال عمر کرده باشد تا بتواند امام صادق(ع) را بعد از بلوغ خود ملاقات کند و ۸۷ سال، عمری قابل انکار نیست. پس دلیلی





ایشان درباره روایتی که در آن محمد بن ابی عمیر از هشام بن سالم و او از محمد بن ابی عمیر و او از امام صادق(ع) روایت کرده می گوید:

« حتماً ابن ابی عمیر دوم، اشتباه نسّاخ بوده و بعید نیست که آن تصحیف شده محمد بن مروان باشد، زیرا او از کسانی است که هشام از او روایت می کند. <sup>۲۲</sup> ایشان در جای دیگر می گویند:

«روایت محمد بن نعیم صحاف درباره وصی شدن او از طرف محمد بن ابی عمیر دلالتی بر تعدد ابن ابی عمیر ندارد، زیرا عبدالصالح غالباً درباره امام کاظم(ع) اطلاق می شده نه این که بر دیگر ائمه(ع)، اطلاق نمی شده است.

و محمد بن نعیم با این که از امام صادق(ع) روایت کرده می توانسته تا پایان عمر امام جواد(ع) زنده بوده باشد، زیرا اگر او پنج سال پس از بلوغ نیز امام صادق(ع) را درك کرده باشد، ولادت او در حدود (سال ۱۲۸ ق.) خواهد بود و اگر تا پایان امامت امام

جواد(ع) باقی بوده باشد، عمر او ۹۲ سال بوده که آن، عمری عجیب و قابل انکار نیست. <sup>۲۳</sup>

وی پس از طرح نظرهای مختلف در این بخش، نتیجه ای را که از هر یک از آن ها گرفته خواهد شد، مطرح می کند. اگر قائل به این باشیم که نسخه محمد بن ابی عمر در رجال شیخ، صحیح است، اگر در سند روایت، محمد بن ابی عمر باشد او فردی است که درباره وثاقت یا عدم وثاقت او کلامی گفته نشده است. <sup>۲۴</sup>

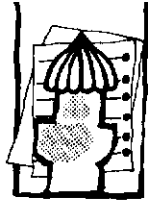
اگر قائل به وحدت ابن ابی عمیر باشیم، ابن ابی عمیر واقع شده در سند روایات، تقه خواهد بود. و اگر قائل به تعدد محمد بن ابی عمیر باشیم، نتیجه بحث از زبان آیه الله خویی چنین خواهد بود:

« اگر روایت از امام صادق(ع)

۲۲. همان.

۲۳. همان، ص ۶۴ (التبیه السادس).

۲۴. نگارنده، نسخه های تصحیح شده برخی از کتاب های روایی که به وسیله آیه الله سید موسی شبیری زنجانی صورت گرفته و نزد فرزند فاضل ایشان بود، ملاحظه کرده است. در برخی از آن ها نسخه صحیح «محمد بن ابی عمر» است.



## آیا محمد بن ابی عمیر از

امام کاظم(ع) روایت نقل کرده است؟

شیخ طوسی بر این اعتقاد است که ابن ابی عمیر، امام کاظم(ع) را درک کرده، لیکن از ایشان روایت نکرده است.<sup>۲۶</sup> لیکن نجاشی در رجال خود آورده که او امام کاظم(ع) را ملاقات کرده و از ایشان احادیثی را شنیده که در بعضی از آن‌ها حضرت او را با کنیه «ابا احمد» یاد کرده

است.<sup>۲۷</sup>

## مشایخ و شاگردان

ابن ابی عمیر، نزد جمع بسیاری از اصحاب امام صادق، امام کاظم و امام رضا(ع) به استماع و ضبط روایت پرداخت. برخی از بزرگان، تعداد کسانی را که او از آنان روایت نقل کرده تا ۴۱۰

۲۵. معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۷۷

۲۶. الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۴۲

۲۷. رجال النجاشی، ص ۳۲۷. نگارنده، این روایات را با استفاده از برنامه رایانه‌ای مرکز تحقیقات علوم اسلامی ملاحظه کرده است.

باشد، راوی محمد بن ابی عمیر

اولی است که درباره او توثیقی

وجود ندارد و یا این که روایت

مرسل است [اگر نقل روایت به

گونه‌ای باشد که امکان ارسال

وجود داشته باشد] و اگر روایت از

امام رضا(ع) یا جواد(ع) یا کسی که

طبقه آن دو بزرگ وار است باشد،

به طور جزم راوی محمد بن زیاد بن

عیسی است و اگر روایت از امام

کاظم(ع) باشد و کسی که از محمد

بن ابی عمیر روایت می‌کند زمان

امام کاظم(ع) را درک نکرده باشد

(مانند حسن بن محمد بن سماعه)

راوی، محمد بن زیاد خواهد بود.

و اگر از کسانی باشد که زمان

کاظم(ع) را درک کرده باشد، ابن

ابی عمیری که از او روایت شده،

اگر چه احتمال دارد که بر هر دو

منطبق باشد، لیکن شکی نیست که

به آن که معروف و مشهور است

منصرف خواهد بود و اشتراک در

این مورد اثری نخواهد داشت.<sup>۲۵</sup>

تفر ذکر کرده اند. ۲۸

قمی، عبد الرحمان بن ابی نجران  
تمیمی، حسین بن سعید اهوازی، ابو  
عبدالله برقی، صفوان بن یحیی،  
حضرت عبد العظیم حسنی (ع)، عبدالله  
بن احمد یهنک نخعی و برادرش عبید  
الله، عبدالله بن معروف، احمد بن  
محمد بن عیسی اشعری، عبدالله بن  
الصکّت قمی و ...

تعداد کسانی که در حلقه درس و  
افاضه آن محدث بزرگ، شرکت  
داشته اند و از وی روایت نقل کرده اند  
نزدیک به هشتاد تن بوده است. ۳۰

#### کتاب های ابن ابی عمیر

علاقه و اهتمام وی به روایات امامان (ع)  
به حدی بود که صد کتاب از کتاب های  
اصحاب امام صادق (ع) را روایت کرده  
است. علاوه بر آن، خود، کتاب های

۲۸. نک: کلیات فی علم الرجال، جعفر  
سبحانی (مرکز مدیریت حوزه علمیه قم)،  
ص ۲۲۳

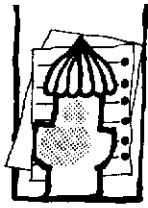
۲۹. معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۰۱ -  
۱۰۵

۳۰. نک: معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص  
۱۰۵ و ۱۰۶

در میان مشایخ او جمعی از بزرگان  
اصحاب ائمه (ع) وجود دارند که روایات  
بسیاری از آن ها شنیده است، هم چون:  
ابراهیم بن عبد الحمید اسدی، ۶۵  
حدیث؛ حماد بن عثمان، ۲۲۱ حدیث؛  
عبد الرحمان بن حجاج بجلّی،  
۱۳۵ حدیث؛ معاویه بن عمار، ۴۴۸  
حدیث؛ هشام بن سالم، ۲۲۵ حدیث؛  
حماد بن عیسی، ۹۲۱ حدیث؛ حفص  
بن بختری، ۱۶۵ حدیث؛ عمر بن اذینه،  
۲۵۴ حدیث؛ جمیل بن ذرّاج، ۲۹۸  
حدیث؛ عبدالله بن بُکیر، ۶۵ حدیث؛  
هشام بن حکم؛ زرارة بن اعین؛ محمد  
بن مسلم و ... ۲۹

از آن جا که محمد بن ابی عمیر،  
بغدادی بوده، بایستی برای استماع،  
ضبط و تدوین حدیث به مدینه و کوفه و  
بصره (شهرهایی که مشایخ روایی او  
می زیسته اند) سفر کرده باشد.

جمع زیادی از اصحاب ائمه (ع) نیز از  
آن محدث بزرگ روایت نقل کرده اند،  
هم چون فضل بن شاذان نیشابوری، علی  
بن مهزیار اهوازی، ابراهیم بن هاشم



کرده بودند.

اکنون از آن صحابی و محدث گرانقدر بیش از ۴۷۰۰ روایت در کتب روایی وجود دارد<sup>۳۳</sup> که در زمینه های مختلف تفسیر، فقه و کلام است. ابن ابی عمیر علاوه بر آن که روایات فقهی بی شماری در جای جای ابواب فقهی از خود به یادگار گذاشته، حجم قابل ملاحظه ای روایت درباره مسائل کلامی نقل کرده است.

در بزرگی و جلالت او در این زمینه، همین اندازه کافی است که بدانیم هشام بن سالم، دوست دیرینه او که از اصحاب متکلم برجسته امام صادق و امام کاظم (ع) به شمار می رفت، برای مناظره ای با هشام بن حکم، یکی دیگر از متکلمان برجسته حضرت، به این شرط حاضر به گفت و گو شد که محمد بن ابی عمیر حضور داشته باشد؛ در غیر این صورت از شرکت در بحث خودداری خواهد کرد.<sup>۳۴</sup>

۳۱. رجال النجاشی، ص ۳۲۷

۳۲. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۵۴

۳۳. معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۰۱

۳۴. همان، ج ۱۴، ص ۲۸۳

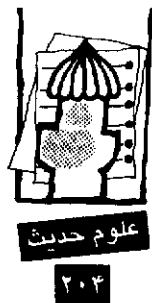
روایی بسیاری را تدوین کرده که تعداد آن ها ۹۴۱ کتاب ذکر کرده اند.<sup>۳۱</sup>

نگاهی به فهرست کتاب های آن صحابی گران قدر گستردگی و تنوع روایات او را در زمینه های مختلف علوم اسلامی (تاریخ، فقه، اصول فقه، کلام و تفسیر) نشان می دهد.

برخی از کتاب های او که در رجال نجاشی و نیز فهرست طوسی گزارش شده اند، از این قرارند:

المغازی، الکفر والایمان، البداء، الاحتجاج فی الامامة، الحج، فضایل الحج، المتعة، الاستطاعة و الافعال و الرد علی اهل القدر والجبر، الملاحم، یوم ولیة، الصلاة، مناسک الحج، الصیام، اختلاف الحدیث، المعارف، التوحید، النکاح، الطلاق، الرضایع، المبدأ، الامامة، ومسائله عن الرضایع (ع).

وی پس از حصاده از بین رفتن کتاب هایش، به تدوین دوباره روایاتی که از حفظ داشت پرداخت و آن ها را در ۴۰ مجلد تحت عنوان «نوادیر» جمع آوری کرد.<sup>۳۲</sup> این علاوه بر کتاب هایی بود که دیگران قبل از آن حادثه از برخی از کتاب های او استنساخ



نگاهی به فهرست کتاب‌های او نیز  
گویای این امر می‌باشد.

گوینده آن عده‌ای معدود بوده‌اند و  
درباره آن‌ها به مانند آن چه که درباره  
ابن ابی عمیر گفته شده، اتفاق نظر  
وجود نداشته است.<sup>۳۷</sup>

#### مرسل‌های مسند

ابن ابی عمیر علاوه بر این که از اصحاب  
اجماع می‌باشد،<sup>۳۵</sup> از زمره کسانی است  
که روایت‌های مرسل او را هم چون مسند  
قابل اعتبار دانسته‌اند. پس از حادثه از بین  
رفتن کتاب‌هایش برخی از روایاتی را که از  
حفظ تدوین کرد به صورت مرسل است،  
لیکن دقت و تعهد او نسبت به نقل حدیث  
از افراد ثقه به حدی بود که مرسل‌های او را  
هم ردیف با مسند دانسته‌اند.

برخی وجود چند فرد ضعیف در میان  
مشایخ ابن ابی عمیر را دلیلی بر رد این  
مطلب که او جز از افراد ثقه روایت نقل  
نمی‌کرده دانسته‌اند، لیکن آیه الله شبیری  
زنجان‌ی در سلسله درس‌های رجال خود  
بحث مفصلی در این باره کرده و به تک  
تک این موارد پاسخ داده‌اند.<sup>۳۸</sup>

تقریباً تمامی علمای شیعه در طول  
تاریخ در قبول روایات مرسل ابن ابی عمیر  
اتفاق نظر داشته‌اند.<sup>۳۶</sup> علامه مامقانی  
(م. ۱۳۵۱ هـ. ق.) در این باره می‌گوید:

«محمد بن ابی عمیر، تنها کسی  
است که تمامی علمای شیعه [در  
طول قرون گذشته] روایات مرسل  
او را پذیرفته و آن‌ها را مانند روایات  
مسند معتبر دانسته‌اند. اگرچه  
درباره برخی [از اصحاب ائمه(ع)]  
نیز این مطلب گفته شده، لیکن

۳۵. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۷۳  
۳۶. نک: کلیات فی علم الرجال، ص ۲۰۶ به  
بعد.  
۳۷. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۶۳. ذکر این نکته  
لازم است که برخی از بزرگان از جمله  
شهید ثانی در الدرایة، محقق حلی در  
المعتبر، سید طاووس، شیخ حسن عاملی  
در معالم الاصول، سید محمد عاملی (نوه  
شهید ثانی) در المدارک و آیه الله خویی در  
معجم رجال الحدیث به طور کلی روایات  
مرسل از جمله مرسلات ابن ابی عمیر را  
معتبر ندانسته‌اند. (نک: کلیات فی علم  
الرجال، ص ۲۲۰-۲۲۲).  
۳۸. نک: کلیات فی علم الرجال، ص ۲۳۵-  
۲۵۰